

راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن در بیانات امام خامنه‌ای

دکتر مریم سعیدیان جزی *

سعیده یراقی **

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۲۷

چکیده

در هر جامعه مسائلی مربوط به فرهنگ به فرهنگ از مهم‌ترین موضوعات قابل بحث در بین محققان است. در سال‌های اخیر، غرب درصدد انتقال گزاره‌های فرهنگی خویش به سایر جوامع است تا بدین طریق سلطه‌گری خویش را، نه در بعد نظامی که در بعد فرهنگی به انجام رساند. برای این منظور زنان، هم به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی و هم به دلیل اینکه انتقال‌دهنده گزاره‌های فرهنگی به نسل بعد هستند، گروه هدف مناسبی به‌شمار می‌روند. این تحقیق بر آن است که راهکارهای مقابله با جنبه‌های منفی فرهنگ غرب در خصوص زنان را از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار دهد. بدین منظور آراء ایشان از طریق سایت *Ledaer.ir* و کتب مربوط جمع‌آوری شد و از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل محتوا نیز با استفاده از تحلیل تماتیک، کدگذاری باز و متمرکز و سپس تشکیل مقوله انجام شد. از دیدگاه ایشان چهار راهکار عمده برای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص زن عبارت‌اند از: برخوردی حکیمانه با فرهنگ غرب، غنی‌سازی فرهنگ به وسیله تعامل فرهنگی، افزایش آگاهی‌بخشی به زنان، و آنچه بیشترین اهمیت را در این راهکارها داشت توجه به راهبرد اسلام در برخورد با زن در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: زن، راهکار مقابله، غرب، آیت‌الله خامنه‌ای.

* - استادیار دانشگاه اصفهان msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

** - نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مطالعات زنان، گرایش حقوق زن در اسلام، دانشگاه اصفهان

s.yaraghi@yahoo.com

مقدمه

هر فرهنگی با توجه به مبانی ایدئولوژی خود مشخص می‌کند چه چیزی مهم، ارزشمند و پسندیده است و سعی در انتقال ارزش‌های خود به سایر فرهنگ‌ها دارد. فرهنگ غرب نیز با در اختیار داشتن ابزارها و امکانات مختلف و استفاده از ارتباطات گسترده به ترویج ویژگی‌های خویش می‌پردازد. در بین گروه‌های مختلف جامعه، زنان هم به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی و تأثیرپذیری بیشتر و هم به دلیل نقش مادری که انتقال‌دهنده مفاهیم ارزشی به نسل بعد هستند، گروه هدف مناسبی برای ترویج ارزش‌های فرهنگ غرب هستند.

البته در ابتدای بحث باید منظور خود را از غرب بیان کنیم. غرب از لحاظ ژئوپولیتیک (موقعیت سیاسی - جغرافیایی) همه بلوک غربی در غرب عالم به جانب مغرب خورشید، تمام اروپا از فنلاند و سوئد تا مرزهای اسپانیا با مراکش، تمام امریکای شمالی شامل: شمال کانادا، آلاسکا و ایالات متحده امریکا، تمام فواصل دریایی اقیانوس اطلس مابین اروپا و امریکا همچنین بخش اروپایی ترکیه یعنی شهرهای استان‌های غربی نظیر از میر، را دربر می‌گیرد (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۷۸). اما منظور ما از غرب، نه طبیعت جغرافیایی مغرب زمین که منظور فلسفه و فرهنگ حاکم بر جوامعی است که آن جوامع را دارای ابعاد خاصی با ویژگی‌های مشخصی می‌کند، چه از لحاظ جغرافیایی شرق باشد چه غرب کره زمین که برخی از ویژگی‌های آن عبارت است از: اصالت، قدرت، اصالت ماده، اصالت زندگی، نظم فکری و عملی، میل به تحلیل عقلانی، خودمداری و اومانیسیم (شاهدین، ۱۳۸۲). در واقع، فرهنگ غرب از یونان قدیم شروع شد و در تمدن رومی گسترش پیدا کرد^۱ (اسپیلو، ۲۰۰۳: ۱۱) و با مسیحیت در طول قرون وسطی ادامه یافت تا اینکه دوران اصلاح و مدرن شدن آن با رنسانس شروع شد (زیمرمن، ۲۰۱۲). در کنار برخی از ویژگی‌های مثبت غرب مانند: روح خطرپذیری، روح ابتکار، اقدام و انضباط که البته این موارد نقطه مشترک توسعه غربی با فرهنگ اسلامی است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷)، بسیاری از مفاهیم ارزشی در غرب در فرهنگ اسلامی ضد ارزش بوده و با کرامت و شرافت انسانی در تناقض است. بنابراین، لزوم توجه به راهکارهای مقابله و مواجهه با جنبه‌های منفی این فرهنگ

1- Spielvo
2- Zimmerman

ضروری به نظر می‌رسد. برای این منظور این پژوهش در نظر دارد با تحلیل دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای راهبردهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص زن را مورد واکاوی قرار دهد و به این سؤال پاسخ دهد که در راستای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص زن، چه فعالیت‌هایی باید در اولویت قرار گیرد و حوزه نظری آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه چیست.

مبانی نظری تحقیق

غرب خود را محور همه عالم می‌داند و این تفکر موجب آن شده است که از تمام ظرفیت‌های موجود برای تهاجم به کشورهای دیگر استفاده کند. از مهم‌ترین جنبه‌های امپریالیسم در جهان امروز، تهاجم در ابعاد فرهنگی است که به مدد وسعت وسایل ارتباط جمعی، رشد مبانی مادی‌گری، افکار عینی‌گرایی و در مجموع، فلسفه مدرنیسم با سرعت فراوانی در حال گسترش است. تهاجم فرهنگی را می‌توان عمل جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی به شکلی هوشیارانه - که بتواند یک ملت و جامعه را نسبت به فرهنگ خود بیگانه و مطیع غرایز بیگانگان کند - تعریف کرد (ولی‌زاده، ۱۳۸۸: ۸). استعمارگران اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی آنهاست. آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را ارزش‌های مترقی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها سازند و از این طریق بدون هیچ دغدغه‌ای به آینده منافع خود در این کشورها مطمئن باشند (شاهدین، ۱۳۸۲). دلایل روی آوردن به تهاجم فرهنگی این است که گستره و دوربرد ناتو فرهنگی فراتر از مرزهای جغرافیایی است و مرزهای اندیشه و تفکر، باورها، ایدئولوژی و جهان‌بینی ملت‌هاست. به علاوه، تهاجم فرهنگی امری نامحسوس و آرام است و آثار تخریبی آن به آسانی قابل برطرف شدن نیست (ملکی، ۱۳۹۲). اگر فرهنگ را ذهنیات، اندیشه‌ها، باورها، سنت‌ها و آداب، ذخیره‌های فکری و ذهنی یک جامعه بدانیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۵)، بنابراین هر تهاجم و تغییر فرهنگ نیازمند آن است که بتواند در ابعاد فکری و رفتاری افراد به شکلی نرم و غیرمحسوس رسوخ کند. برای واقع شدن این امر، عوامل مختلفی دخیل هستند؛ برخی از این عوامل مربوط به مسائل درونی کشورها و برخی مربوط به مسائل بیرونی می‌شود. از جمله مسائل داخلی که زمینه را برای تهاجم فراهم می‌کند فقر اقتصادی، بیکاری و نابسامانی‌های اقتصادی و

خانوادگی است و از جمله مسائلی که از بیرون می‌تواند زمینه تهاجم را فراهم کند وسایل ارتباطی مانند: ماهواره، فیلم، بازی‌های رایانه‌ای و تبلیغات منفی علیه کشورهاست (مسگرنژاد، ۱۳۷۳: ۸۲). آن چیزی که در تعریف فرهنگ اسلامی می‌توان از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مد نظر قرار داد، مفهومی به نام «عقلیت» است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵). در واقع، ایشان فرهنگ صحیح را فرهنگی می‌دانند که منطبق با این دو ویژگی باشد:

الف) مبانی اسلامی؛

ب) منطق، عقل و خرد.

اگر فرهنگی منطبق با این دو خصوصیت بود، آن فرهنگ صحیح است و استعلای چنین فرهنگی می‌تواند سعادت و رشد انسان‌ها را به دنبال داشته باشد. تعریفی که علامه جعفری نیز از فرهنگ کرده‌اند منطبق با مبانی فرهنگ اسلامی است: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعیدشده آنان در حیات معقول تکاملی باشد. طبق این تعریف جزء مهم فرهنگ تعقل سلیم و احساسات به دور از هوی و هوس است» (جعفری، ۱۳۷۳: ۷۷). در حوزه زنان این مبانی در جایگاه ارزشی، انسانی و حقوقی زن حائز اهمیت است. در فرهنگ اسلام زن نه یک مرد، بلکه یک انسان کامل است. انسانی که دارای کرامت و ارزش انسانی است. در فرهنگ اسلامی سه ویژگی مهم انسان یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقاء و کمال هم برای زن و هم برای مرد تبیین شده است (علاسوند، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۹).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مبانی فرهنگ غرب شامل: فردگرایی، مادگرایی، جدایی دین از سیاست، علم‌گرایی و آزادی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳، ۱۳۶۹/۲/۲۲، ۱۳۸۳/۳/۱۴، ۱۳۷۷/۶/۱۲). در این بین، فردگرایی و آزادی در حوزه زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فردگرایی یا اومانیزم به هر نوع فلسفه‌ای که منزلت ویژه‌ای برای انسان قائل است و او را مقیاس همه چیز قرار می‌دهد اطلاق می‌شود و یکی از عوامل اصلی فرهنگ جدید غرب به شمار می‌آید (طاهری، ۱۳۸۳: ۶۰). کیفیت، چگونگی، توفیق یا شکست فرد در آنچه می‌کند، فقط به خودش مربوط است (فروم، ۱۳۸۱: ۱۲۵-۱۲۰). در قرن ۱۹ زنان از بسیاری از حقوق فردی از جمله حق مالکیت، ارث و حقوق سیاسی محروم بودند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۴۴) و صرفاً تحت مالکیت مرد قرار

داشتند. با وقوع رنسانس و شکل‌گیری مبانی فردگرایی، این مطلب به ذهن متبادر می‌شود که زن نیز در جایگاه انسانی موجودی خردورز و دارای کرامت انسانی است. بنابراین، زنان نیز باید بتوانند بر جزئیات فردی خودشان احاطه داشته باشند. این تملک بر خویش تا جایی پیش رفت که حتی با کنترل باروری بتوانند در مورد بدن خویش تصمیم بگیرند (رودگر، ۱۳۸۸: ۴۱).

از دیگر مبانی مهم فرهنگ غرب که در حوزه زنان آثار بسیاری بر جای گذاشته، بحث آزادی است و آن عبارت است از: «مجموعه روش‌ها، نگرش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی که عمده‌ترین هدفشان فراهم آوردن «آزادی» هر چه بیشتر برای فرد است. بنیاد و شالوده این مکتب مبتنی بر فردگرایی است» (مشکات، ۱۳۸۶: ۴۵۲). در غرب، انسان موجودی است «آزادِ آزاد» نه «آزادِ مسئول». بنابراین برداشت، آزادی یعنی مجاز بودن هر نوع اراده و هر نوع انتخاب و از سویی آزادی تنها راه رسیدن به برابری زن و مرد است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸: ۸۰). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی [زن] در غرب معنای وسیعی را شامل می‌شود که از آن می‌توان به آزادی از اسارت، آزادی از اخلاق و آزادی از قوانینی که باعث تعهد زن در مقابل شوهر می‌شود، یاد کرد. البته ایشان به یک نوع دیگر از آزادی در خصوص زن اشاره می‌کنند که جنبه مثبت دارد و آن عبارت است از آزادی از نفوذ، مبنی بر سوءاستفاده از کارفرمایی که زن را با مزد کمتر به کارگاه می‌کشاند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰). وقتی مفاهیم لیبرالیسم در غرب شکل گرفت، زنان دیدند که این شعارها تغییری در موقعیت آنان ایجاد نکرد. آنان مطالباتی در حوزه خانواده و اجتماع داشتند که اعطای حق طلاق، حضانت، مالکیت و حق رأی از جمله آنها بود (رودگر، ۱۳۸۸: ۵۰).

با توجه به تفاوت‌های بنیایی بین فرهنگ اسلام و غرب، انتظاراتی متفاوتی نیز از نوع بینش و رفتار زنان در دو فرهنگ وجود دارد. این مسئله حائز اهمیت است که فرهنگ غرب سعی در اشاعه مبانی خود به سایر فرهنگ‌ها دارد. بنابراین، لزوم برخورد صحیح با این تهاجم، نیازمند بهره‌گیری از نظرات افرادی است که هم دغدغه فرهنگ دارند و هم از مسائل و مشکلات مبتلابه روز آگاه هستند. این پژوهش در نظر دارد از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب را در خصوص زنان مورد واکاوی قرار دهد.

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی پژوهش

راهبردهای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب در حوزه زنان چیست؟

سؤالات فرعی پژوهش

۱. نحوه تعامل با فرهنگ غرب در حوزه زنان چگونه باید باشد؟

۲. حوزه نظری آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه چیست؟

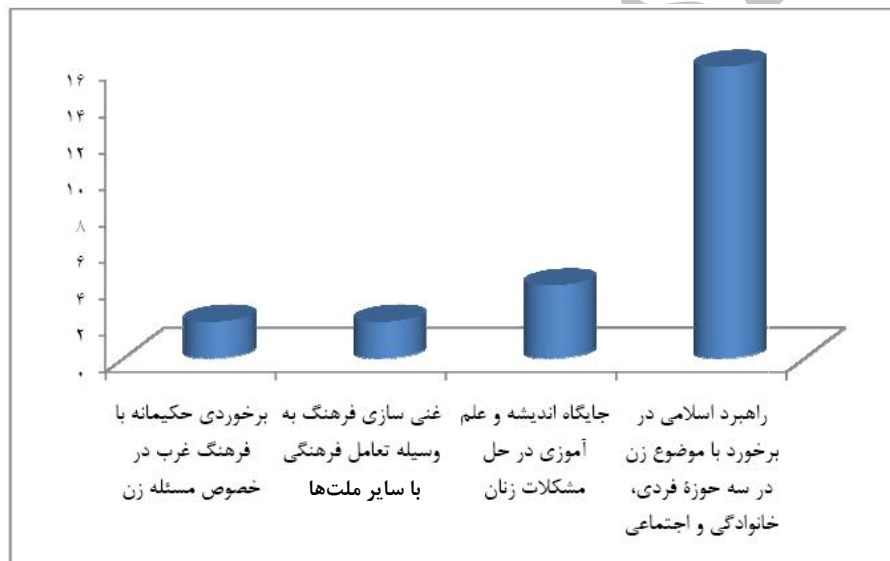
روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل محتوای نوعی روش تحقیق برای تفسیر ذهنی داده‌های متنی از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی تم‌ها یا الگوهاست (محمدپور، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۰۰). جامعه آماری در این تحقیق سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای طی سال‌های ۱۳۵۷ تا آذرماه است. نمونه‌گیری مورد نظر هدفمند بوده و عبارت است از: گزینش واحدهایی خاص مبتنی بر اهداف خاص مرتبط با پاسخ به سؤال‌های خاص تحقیق (محمدپور، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۲). برای انجام کار ابتدا تمام سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در مورد راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن از منابع موجود جمع‌آوری شد، سپس با استفاده از روش تحلیل تماتیک ۲۴ کد باز و ۴ کد متمرکز تشکیل شد. در نهایت، مقوله راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب در حوزه زنان از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل و مورد تحلیل محتوای کمی و کیفی قرار گرفت.

تحلیل کمی داده‌ها

با توجه به انتقال و اشاعه فرهنگ غرب از طرق مختلف، برای مقابله با چنین تهاجمی باید به دنبال راه‌حل و روش‌های مقابله بود. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب، توجه به دیدگاه اسلام در مورد جایگاه و مقام زن در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی است. توجه به این سه حوزه، هم از بعد مجزا و جداگانه و هم به صورت سه حلقه به هم پیوسته می‌تواند جایگاه درستی از موقعیت زن در هستی و در نظام اجتماعی ترسیم کند. از تحلیل

دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره موضوع، چهار شاخص قابل دریافت است که عبارت‌اند از:
شاخص اول: برخوردی حکیمانه با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن؛
شاخص دوم: غنی‌سازی فرهنگ به وسیله تعامل فرهنگی با سایر ملت‌ها؛
شاخص سوم: جایگاه اندیشه و علم‌آموزی در حل مشکلات زنان؛
شاخص چهارم: راهبرد اسلامی در برخورد با موضوع زن در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی.
در نمودار (۱)، مقادیر عددی هر کدام از این شاخص‌ها در آرای آیت‌الله خامنه‌ای نشان داده شده‌اند:



نمودار ۱- شاخص‌های مقوله راهبردهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص زن

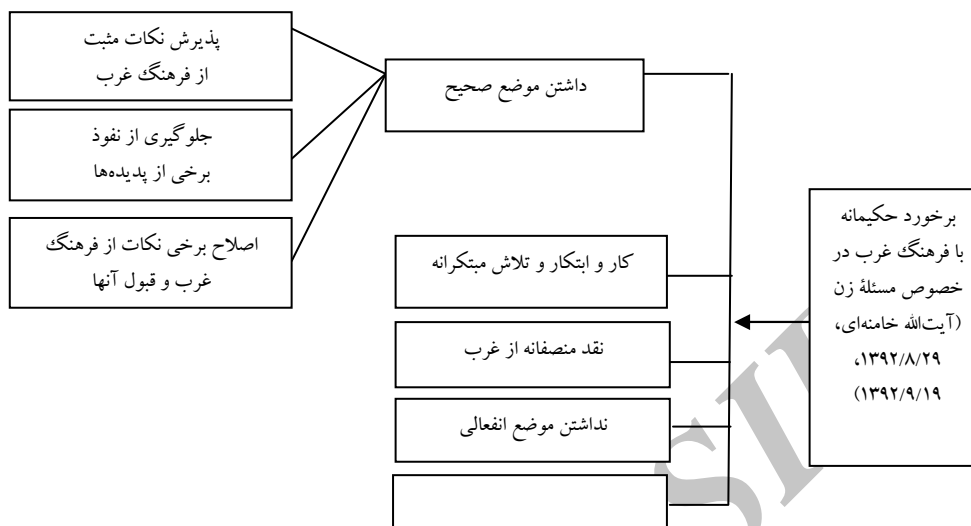
تحلیل کیفی داده‌ها

راهبردهای مبارزه با ترویج و تهاجم فرهنگی غرب نیازمند مدیریت قوی و برنامه‌ریزی

منسجم است. آیت الله خامنه‌ای در بیان چگونگی تقابل با فرهنگ غرب به راهکارهایی اشاره کرده‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

راهکار اول: برخوردی حکیمانه با فرهنگ غرب در ارتباط با مسئله زن

برای مواجه شدن با هر پدیده‌ای نیاز به آگاهی از زوایای مختلف آن است که به وسیله مطالعه و تحقیق و علم آموزی به دست می‌آید. لذا در برخورد با هر پدیده، رعایت عقل و خرد، مانع بروز رفتارهای افراط و تفریطی خواهد شد. در مواجهه زنان با فرهنگ غرب، اگر صرفاً جنبه‌های منفی این فرهنگ را در مورد زن بزرگ‌نمایی کنیم و جنبه‌ها و شخصیت‌های مثبت این فرهنگ را نادیده انگاریم، باعث می‌شود که زنان و به‌ویژه دختران جوان نسبت به مبانی فکری دینی بدبین شوند و به طور کلی آن را کنار بزنند. «معنای برخورد حکیمانه این نیست که همیشه ردکننده مسائلی باشیم که غریبان به آن رسیده‌اند و یا موضع دفاعی بگیریم، بلکه باید موضع و حرکت صحیح داشته باشیم؛ در مواجهه با غرب، گاهی یک پدیده‌ای است که آن را می‌توانیم قبول کنیم، گاهی پدیده‌ای است که می‌توانیم آن را اصلاح کنیم و گاهی پدیده‌ای است که می‌توانیم یک ذیلی برایش تعریف کنیم و با آن ذیل مشکل را برطرف کنیم. اما نکته مهم این است که در مقابل تهاجم، حالت انفعالی به خود نگیریم که خسارت‌بارترین کارهاست» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۹/۱۹). باید بتوان منصفانه از فرهنگ غرب انتقاد کرد؛ زیرا «در بین غربی‌ها هم، مسلماً متفکران، فلاسفه و انسان‌های صادق و صالحی هستند که صادقانه فکر می‌کنند و حرف می‌زنند» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۶/۳۰) و یقیناً مردان و زنان خوب و نجیبی هستند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۱۰) که درباره مشکلات امروزه غرب با دیدی نقادانه سعی در اصلاح آنها دارند و از جایگاه امروزین زن در غرب اظهار نگرانی می‌کنند. از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای نکته‌های مثبت فرهنگ غربی مانند: روح خطرپذیری، ابتکار، انضباط و شجاعت برای اقدام را، در کنار الگوی ملی پیشرفت، نباید مورد غفلت قرار داد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).



راهکار دوم: غنی‌سازی فرهنگ به وسیله تعامل فرهنگی با سایر ملّت‌ها

تبادل فرهنگی ملت‌ها در طول تاریخ به شکل طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و تعالی مستمر فرهنگ‌ها بوده است. این جریان فرهنگی دوسویه است و با هدف ترویج ارزشهای بشری انجام می‌شود (شاهدین، ۱۳۸۲). در مبانی اسلام نیز مسئله تبادل ارزش‌های فرهنگی به چشم می‌خورد. قرآن کریم در آیاتی مانند: آل عمران/۱۳۷، نحل/۱۱، نمل/۶۹ و عنکبوت/۲۰، به اندیشه و تفکر درباره احول ملل دیگر تأکید کرده و در سوره زمر آیه ۱۸ این چنین آمده است: «کسانی که گفتار و سخنان دیگران را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنان خردمندان هستند». تعامل و گفت‌وگوی فرهنگی باید بر شناخت دقیق و تحلیلی عناصر لایه‌های زیرین و ماهیت هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگ بیگانه معطوف شود تا از تقلید کورکورانه پرهیز شود (اکبری، ۱۳۸۸). اصل کلی که آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌دارند این است: «فرهنگ غرب، مثل فرهنگ شرق، مثل فرهنگ هر جای دیگر دنیا، یک فرهنگ است که مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌هاست. یک ملت عاقل و یک مجموعه خردمند، آن خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خودش می‌افزاید، فرهنگ خودش را غنی می‌سازد و آن بدی‌ها را رد می‌کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۱۱/۱۳۷۷). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هدف تبادل فرهنگی، بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی

است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱). ایشان شاخصه‌های تبادل فرهنگی را شامل موارد زیر می‌دانند:

- در تبادل فرهنگی هر ملتی موارد مطبوع، دلنشین و مورد علاقه را می‌گیرد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱) و حالت تهاجمی ندارد.

- در تبادل فرهنگی ملتی، که از فرهنگ بیگانه چیزی می‌گیرد، شبیه فردی می‌شود که غذا یا داروی مناسب خویش را تهیه می‌کند [نه چیزی که به ضرر اوست].

- تبادل فرهنگی به انتخاب افراد است.

- تبادل فرهنگی در هنگام قوت و روزگار توانایی یک ملت انجام می‌گیرد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱).

بنابراین، «بر اساس مبانی اسلام، ملت‌ها باید ضمن تعامل فرهنگی و استفاده از نکات مثبت فرهنگ سایر ملت‌ها، برای اداره زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود بر فکر، تحلیل، اندیشه و خرد خویش تکیه کنند و از تسلیم شدن در مقابل تهاجم فرهنگی و افکار و ایده‌های دشمنان بپرهیزند.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۵/۲۳).

راهکار سوم: جایگاه اندیشه و علم‌آموزی در حل مشکلات زنان

در تحلیل سخنان آیت الله خامنه‌ای در زمینه مقابله با فرهنگ غرب به مبحث مهمی برخورد می‌کنیم که شامل عرصه علم و فراگیری دانش است. نکته اولی که در این مبحث باید به آن اشاره شود این است که آیت الله خامنه‌ای مطالعه، دقت، تحقیق، ورود به مسائل مبتلابه روز و اهتمام به کارهای دینی را جزو وظایف حتمی و مسلم زنان می‌دانند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸). در حدیثی از پیامبر (ص) به این نکته این چنین اشاره شده است: «طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۷۷). از جمله راهبردهایی که آیت الله خامنه‌ای در مواجهه با فرهنگ غرب بیان می‌کنند این است که زنان مسلمان باید به معلومات خود اضافه کنند و در پرتو آن بتوانند به معارف اساسی زندگی بیشتر بیندیشند. از این طریق است که می‌توان با تجملات، زینت‌های بیهوده و خودنمایی‌های غربی مبارزه کرد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰)؛ زیرا ملتی که فاقد علم باشد، در معادلات امروز جهانی محکوم به عقب‌ماندگی، ذلت و فرودستی است

(آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۲۳). زنان نیز برای رهایی از فرودستی و دفاع از حقوق قانونی خویش (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸) نیازمند افزایش بهره‌مندی [خود] از علوم و فنون مختلف هستند. افزایش آگاهی و علم در زنان باعث می‌شود که به شأن انسانی خویش واقف شده، پوچی و بی‌اساسی تبلیغات استکبار جهانی را درک کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸).

نکته قابل توجه دیگر در دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، نحوه مواجهه با علم غربی است. استفاده از تجربیات علمی سایر فرهنگ‌ها باعث می‌شود بتوانیم آنها را در خدمت هدف‌های خودمان قرار دهیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۳)؛ اما نکته مهم این است: «این پیشرفت علمی در غرب هیچ‌گاه به معنای برتری فرهنگی آنان نیست» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳) و این مغالطه بزرگی است که کسی بگوید علم غربی‌ها خوب است، پس ناگزیر باید منش، اخلاق و فرهنگ آنها را هم پذیرا باشیم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳). بنابراین، به نظر می‌رسد آشنایی دختران و زنان با ویژگی‌های فرهنگ و تمدن اسلامی - که توانست در دوران اوج و اقتدار خود - مبانی فکری، فرهنگی و علمی دوران جاهلیت را تغییر دهد و موجبات شکوفایی انسان را فراهم کند در شناخت دقیق‌تر آنها و داشتن مقایسه‌ای جامع و کاربردی بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی مؤثر باشد.

راهکار چهارم: راهبرد اسلامی در برخورد با موضوع زن در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی

امروزه زنان با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. این مشکلات گاهی مربوط به نداشتن دیدگاه درست و جامع نسبت به زن است و گاهی مربوط به نقضی می‌شود که در تصویب و یا اجرای قوانین وجود دارد. اولین نکته این است که «برای حل معضلات زنان از هرگونه گرایش‌های فمینیستی و جنس‌ستیزی پرهیز شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۷/۱۴) و این تصور که فرهنگ غرب توانسته با بحثی به نام فمینیست مشکلات زنان را حل کند، از اذهان پاک شود. تنها راهکار حل مشکلات زنان، بازگشت به اندیشه‌های اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴)، زیرا اسلام هم آن مرتبه و علو‌رتبه‌ای که برای انسانیت قائل است برای زن نیز قائل می‌باشد و هم با ارزش‌گذاری‌ها و تدوین قوانین و مقررات و احکام لازم مسیر حرکت به سمت کمال را برای زنان

فراهم ساخته است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵). در این زمینه، از نظر آیت الله خامنه‌ای باید بتوان قوانین و مقرراتی را تصویب کرد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۲۲) که متناسب با اندیشه‌ها و آرمان‌های جدید، ولی در چارچوب ارزش‌های اسلامی باشد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳). البته این مسئله نیازمند فقهی ماهر و مسلط به مبانی فقهی است که بتواند هم مسائل مبتلابه روز را شناسایی کند و هم با شیوه‌های اجتهادی احکام و قوانین آن را از متون دینی استخراج کند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۱۳).

از جمله موقیعت‌هایی که در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفت موقیعت‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و آزادی زن در فرهنگ غرب بود. به دلیل عدم استفاده فرهنگ غرب از آموزه‌های وحیانی برای حل مشکلات جامعه خویش، این فرهنگ دستخوش خطا و آزمایشاتی در حوزه زن و خانواده شده است که حتی گاهی فیزیولوژی زن و هرگونه تفاوت بین زن و مرد را نیز انکار می‌کند و موجب آسیب‌های زیادی در حوزه زن و خانواده می‌شود. آیت الله خامنه‌ای یکی از راهبردهایی که برای حل مشکلات زنان بیان می‌کنند این است که از نگاه اسلام، جایگاه زن را باید در سه حوزه مجزا و در عین حال، متصل و وابسته به هم مورد واکاوی قرار داد:

الف) حوزه فردی: هدف از آفرینش هر فرد انسان عبارت از همان هدف آفرینش بشریت است، یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضایی که یک انسان می‌تواند به آن فضایل آراسته بشود؛ فرقی هم بین زن و مرد نیست. نشانه‌اش در درجه اول فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و در درجه بعد سایر زنان بزرگ تاریخ است. «فاطمه زهرا (س) در قلّه بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند، پس فرقی بین زن و مرد نیست» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ و ۱۳۷۵/۶/۲۸). خدای متعال در قرآن سوره مبارکه نحل آیه ۹۷ می‌فرماید: «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد خواه مرد باشد و خواه زن، در حالی که مؤمن است او را به حیاتی پاک زنده نگه می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.» این آیه و آیه‌های مشابه دیگر (مانند مؤمن/ ۴۰، نساء/ ۱۲۴ و حجرات/ ۱۳) از نبود تفاوت بین زن و مرد در برخورداری از پیشرفت در ایمان و عمل صالح خبر می‌دهند. بر این اساس، به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین راهکارها در مورد مقابله با فرهنگ غرب، افزایش

خود آگاهی دختران هم نسبت به وجود و ارزش‌های انسانی خویش و هم نسبت به هویت‌یابی جنسیتی است. اگر هویت‌یابی جنسیتی به طور صحیح انجام شود و همگان بدانند که از لحاظ انسانی و ارزش‌های الهی، زنان و مردان در پیشگاه خداوند یکسان هستند، با آگاهی و خرد با محیط اطراف و گزاره‌های آن مواجه می‌شوند و در مقابله با جلوه‌های جذاب فرهنگی غرب با اندیشه و خردورزی برخورد خواهند کرد.

ب) حوزه خانوادگی: زن در خانواده، در جایگاه دختر، همسر و مادر دارای حقوق و وظایفی است. «در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. برای زن نیز در خانواده حقوقی معین شده که آن هم از روی مصلحت است. مرد و زن هر کدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژه خودشان است. آنها اگر از خُلقیات ویژه خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده زوجی کامل، هماهنگ و مساعد تشکیل می‌دهند. اگر مرد زیاده‌روی کرد تعادل به هم می‌خورد؛ اگر زن هم زیاده‌روی کرد تعادل به هم می‌خورد. اسلام در داخل خانواده دو جنس زن و مرد را مانند دو سنگ‌نشین در جبهه نبرد زندگی قرار داده است. هر کدام از این دو طبیعت خصوصیات و خصلت‌هایی هم در جسم و روح و فکر و هم در غرایز و عواطف دارند که ویژه خودشان است. این دو جنس اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معین کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده‌ای ماندگار، مهربان، با برکت و پرفایده خواهند داشت» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸). در قرآن سوره مبارکه روم آیه ۲۱ این چنین آمده است: «و از نشانه‌های خدا این است که از خودتان جفت‌هایی برای شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و بین شما مودت و رحمت برقرار کرد...».

آیت‌الله خامنه‌ای در خانواده، نقش زن را مهم‌تر می‌داند؛ زیرا «آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونی که در فضای خانواده است، به برکت زن و طبیعت زنانه است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۲۲) و این داشتن یک نگاه متعالی به نقش و جایگاه مهم همسری و مادری در اعتلای جامعه و رشد آن است؛ دیدگاهی که کاملاً برخلاف فمینیسم در غرب است؛ «زیرا کانون خانواده جایی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کند، بچه‌ها محبت و نوازش ببینند، و طبیعت مرد که طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی شکننده‌تر

است و مرهم زخم او فقط و فقط همسر است، باید نوازش ببیند. اگر این احساسات و عواطف محتاج یک محور اصلی در خانه نباشد خانواده یک شکل بدون معنا خواهد بود» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱/۴). یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب حفظ نهاد خانواده بر مبنای اسلام است. خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که هرگونه آسیب به آن صدمات جبران‌ناپذیری را به پیکره جامعه وارد خواهد کرد. اتفاقاً غرب نیز با تبلیغات آرام و بی سر و صدا علیه امنیت خانواده، سعی در گسترش گزاره‌های فرهنگ غربی به سایر فرهنگ‌ها را دارد. با حفظ امنیت عاطفی و حقوقی برای اعضای خانواده‌ها بر مبنای تعالیم اسلامی می‌توان امیدوار بود که تربیت نسل‌ها به درستی انجام و سدی در برابر این تهاجم فرهنگی ایجاد شود.

ج) حوزه اجتماعی: این حوزه شامل فعالیت‌هایی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی می‌شود. «در دیدگاه اسلام راه برای این فعالیت‌ها باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد می‌توانند در فعالیت‌ها شرکت کنند. آنها هرچه می‌توانند تلاش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کنند، شرع مقدس مانع نیست» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸).

در حوزه فعالیت علمی، «دین برای تحصیل علم میان دختر و پسر فرقی نمی‌گذارد، این در حالی است که دختران جوان باید با افزایش علم و آگاهی به قدر و منزلت خویش واقف شوند تا بدانند و بفهمند که تبلیغات استکبار جهانی در خصوص زن چقدر بی‌پایه و اساس و پوچ است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸). یکی دیگر از ابعاد مهم علم‌آموزی زنان در جهت دفاع درست و به جا از حقوق حقه خویش است که در سایه افزایش علم‌آموزی انجام می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۴/۳۰).

در حوزه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بنا بر آیه «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر^۱»: «مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه نظام اجتماعی و امر

به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریک هستیم، [دین] زن را استثنا نکرده؛ [لذا] ما هم نمی‌توانیم زن را استثنا کنیم. مسئولیت اداره جامعه اسلامی و پیشرفت جامعه اسلامی بر دوش همه است، بر دوش زن بر دوش مرد، هر کدام به نحوی برحسب توانایی‌های خودشان» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۴/۱۳۸۶). مهم‌ترین مثال عینی از حضور سیاسی - اجتماعی زنان مسلمان را می‌توان در انقلاب شکوهمند اسلامی و در هشت سال دفاع مقدس به عینیت مشاهده کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۸/۶/۱۳۷۵).

در حوزه آزادی، «نظام اسلامی به صورت مبنایی و به معنای حقیقی کلمه به آزادی معتقد است و رشد و تعالی فردی و اجتماعی را در فضای آزاد امکان‌پذیر می‌داند»^۱ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۳/۱/۱۳۸۲). بنابراین، زنان نیز به طبع انسان بودن دارای آزادی‌های مشروعی هستند که در جهت رشد و بالندگی شخصیت انسانی آنها عمل می‌کند. تفاوت آزادی در اسلام با فرهنگ غرب در این است که در غرب زن در معاشرت‌ها بی‌قید و شرط آزاد است، اما در اسلام در عین اینکه هیچ مردی رابطه برتری به معنای قوه قاهره نسبت به زن ندارد، نه شوهر نه پدر نه برادر، اما در معاشرت‌ها بین زن و مرد مرزی باید وجود داشته باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹/۱۰/۱۳۷۱). یکی از اندیشمندانی که از حضور اجتماعی زنان دفاع کرده، علامه طباطبایی است. ایشان بر این باورند «هر دو صنف (زن و مرد) از نظر ارزش و تأثیر اجتماعی متعادل‌اند» (علاسوند، ۱۳۹۰: ۱۲۸ برگرفته از طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴: ۲۵۶). علامه طباطبایی با استناد به آیه ۱۹ سوره نساء فایده حضور اجتماعی زنان در اجتماع و ایفای نقش‌های مکمل را متناسب با توانایی زنانه‌شان ثابت می‌کنند. از نظر ایشان زن و مرد به طور یکسان از آزادی برخوردارند و لازمه آزادی نیز امکان تأثیرگذاری با استفاده از تلاش، فکر و اراده مستقل است، اما تساوی در آزادی و تأثیر اجتماعی به معنای یکسانی زن و مرد در شیوه‌های اعمال آن نیست؛ بلکه زن و مرد برای کمک به یکدیگر آماده شده‌اند و با هماهنگی و همراهی آنان مجموعه‌ای متناسب و متعادل ساخته می‌شود (علاسوند، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

۱- از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تفاوت آزادی در تفکر لیبرالیسم با آزادی در اسلام این است که «تفکر غربی منشأ آزادی از مقوله حقوق انسانی و مانند هر حق مدنی انسان است، اما اسلام آزادی را جزیی از فطرت انسان می‌داند و در واقع، حق آزادی مانند حق حیات و زندگی کردن است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای این حضور اجتماعی و سیاسی زنان در پارادایم اسلامی، دارای دو شرط اساسی است:

اول، عدم تناقض اشتغال با مسئولیت مادری: «اشتغال، کار اساسی زن در خانه و خانواده و مسئولیت مهم همسری و مادری را تحت الشعاع قرار ندهد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰). «اسلام با کارکردن زن نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آنجا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم بدانند. یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۸/۱۳۷۰). تجلیل اسلام از نقش زنان در خانواده به هیچ‌وجه به معنای منع فعالیت‌های اجتماعی آنان نیست اما عده‌ای کج‌فهم و عده‌ای مغرض چنین وانمود می‌کنند که در نگاه اسلام زن یا باید مادر و همسر خوبی باشد و یا در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ در حالی که حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب کبری مظهر و نمونه یک همسر و مادر خوب و نیز یک زن حاضر در فعالیت‌های اجتماعی بوده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۵/۵/۱۳۸۴).

دوم، عدم تناقض اشتغال با کرامت و عزت زن: کار و فعالیت اجتماعی با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن نباید منافات داشته باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۸/۱۳۷۰). یکی از مهم‌ترین اقدامات برای تأمین این هدف این است که «مسئله محرم و نامحرم به‌خوبی رعایت شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۰/۱۳۹۱). آن چیزی که می‌تواند به مصون‌سازی یک معاشرت نامناسب - یعنی معاشرتی که در آن، جهات فرهنگی و اخلاقی خاص رعایت نشده باشد - در اجتماع کمک کند حجاب است؛ حجاب از طرف زن و حجاب از طرف مرد. حجاب مرد هم نگاه نکردن است. حجاب یعنی مانع یعنی فاصل در زن (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱/۱۲/۱۳۶۴). فرهنگ دوره اخیر مدرنیته، فرهنگی بصری و نمایشی است و بصری شدن منبع اصلی برقراری ارتباط و به کار بستن معناها شده است (آزاد ارمکی، چاوشیان، ۱۳۸۱ به نقل از لایس). از طرف دیگر، «اصل گرایش به زیبایی و زیبادوستی یک امر فطری است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲/۸/۱۳۷۷). یکی از جلوه‌های فرهنگ غرب گرایش به مد و نوگرایی است که گاهی باعث می‌شود دختران مقهور فرهنگ غرب شوند و هم برای جلوه‌گری و هم برای هویت‌یابی از انواع مدها و شیوه‌های پوشش لباس در غرب

پیروی کنند. از جمله راهکارهایی که برای مقابله با این مسئله از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به آن اشاره کرد این است که اگر می‌خواهید آرایش مو، نوع لباس، سبک راه رفتن و غیره را تغییر دهید با ارائه الگوهای بومی ایرانی و طراحی لباس ملی، این نیاز را تأمین کنید و از تقلید از فرهنگ غرب پرهیزید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۷). زیبا و جذاب بودن یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث می‌شود دختران جوان نسبت به انواع پوشش و انواع مدهای دیگر رغبت نشان دهند. طبق دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای حدود زیبایی در اسلام عبارت است از:

- این زیبایی موجب فتنه و فساد نباشد.

- این زیبایی موجب انحطاط و فساد در جامعه نشود.

- این زیبایی ابتذال اخلاقی به بار نیاورد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۸)

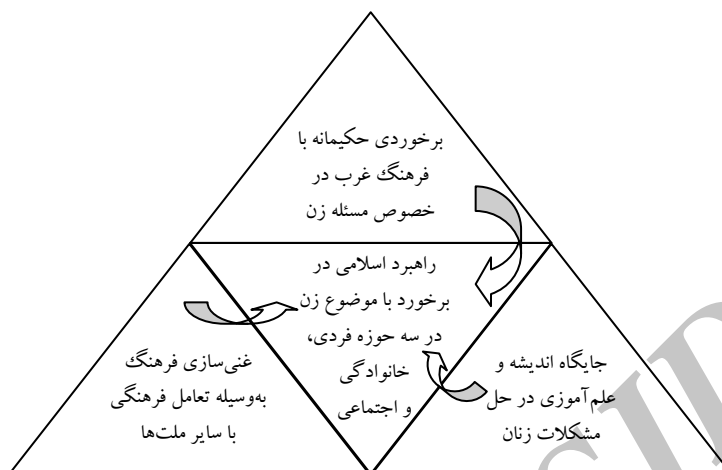
در قرآن به این نکته اشاره شده است که «بگو چه کسی زیوری را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است^۱». همچنین از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «موی زیبا پوششی خدایی است پس آن را ارج نهدید» (نیلی‌پور، ۱۳۸۷: ۳۸۳). به نقل از وسایل‌الشیعه، ج ۱: ۴۳۲). اما مانند هر چیز دیگری برای این زیبایی نیز حدودی مشخص شده است تا موجب سوءاستفاده بشر قرار نگیرد. قرآن تبرج و خودنمایی را از خصایص دوران جاهلیت دانسته است.^۲

بنابراین می‌توان گفت افراد انسانی در قبال جامعه خویش مسئول هستند و احساس وظیفه می‌کنند و این مسئله به تعامل بین افراد و جامعه منجر می‌شود. تاریخ شاهد حضور مؤثر زنان در روند تغییر جوامع است، اما در مقابل، امتیاز و حقوقی را شامل حال آنان نکرده، بلکه موقع به ثمر رسیدن فعالیت‌ها و تلاش‌ها، حتی دست زنان از بسیاری امکانات اجتماعی کوتاه شده و به آنان اجازه شرکت و دخالت در امور اجتماعی و سیاسی داده نشده است. برای نمونه می‌توان از جنبش القای برده‌داری در امریکا در سال ۱۸۲۹ نام برد که در آن، زنان زیادی شرکت داشتند و فعالیت

۱- سوره اعراف/۳۲

۲- سوره احزاب/۳۳

گسترده‌ای انجام دادند، اما در موقع تشکیل انجمن‌های ضدبردگی از آنان دعوت نشد که به انجمن بپیوندند یا اصول عقاید آن را امضا کنند (رجوع به مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۷۸) و یا در انقلاب کبیر فرانسه، به‌رغم حضور مؤثر زنان، در لایحه حقوق بشر فرانسه مسئله برابری و حقوق انسانی، زنان را دربر نمی‌گرفت و خانم اولیمپ د‌گورژ با انتشار اعلامیه حقوق بشر زنان در سال ۱۷۹۱م. خواستار حقوق برابر زن و مرد در حوزه قانون، دولت و آموزش شد (رجوع به زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۰ و رودگر، ۱۳۸۸). به این ترتیب، فعالیت زنان خواهان حقوق مدنی، با عنوان فمینیسم افزونی گرفت. اولین مطالبات فمینیسم که به عنوان موج اول فمینیسم هم شناخته می‌شود، بیشتر جنبه مدنی و سیاسی داشت که حق رأی از مهم‌ترین این موارد است. در طول قرن بیستم، زنان پس از تلاش‌های فراوان، خود را از شهروند درجه دوم به شرکای تقریباً کاملی در عرصه حیات سیاسی و اقتصادی آمریکا رساندند؛ اما به‌رغم همه دستاوردها و موفقیت‌های زنان، هنوز جای آنان در بسیاری از مشاغل و مناصب خالی است و آنان همچنان در حوزه قدرت پایین‌تر از مردان هستند. از سال ۱۹۳۲ تا ۲۰۱۰ تنها سی زن در کابینه در سطح وزرا دارای سمت‌های عالی بوده‌اند؛ حضور زنان در سطح نخبگان نظامی نیز چندان بالا نیست، تا سال ۱۹۹۵ زنان نتوانسته بودند به مقامات ارشد نظامی دست یابند. در حوزه قضاوت نیز حضور زنان در دیوان عالی محدود است (دادپرور، ۱۳۹۰). بنابراین باید گفت به‌رغم تبلیغات وسیعی که غرب برای حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی انجام می‌دهد، همچنان «سقف شیشه‌ای» در به دست آوردن رده‌های شغلی بالا برای زنان وجود دارد؛ منصب‌های اجتماعی که همواره بتواند کرامت و هویت زنانه زن را حفظ کند. برخی از متفکران نیز معتقدند حضور اجتماعی زنان در غرب نه تنها نتوانسته جایگاه شرافت‌مندانه‌ای برای زنان به ارمغان بیاورد، بلکه باعث ستم به زنان نیز شده است و ظلم تاریخی به زنان در این عرصه همچنان ادامه دارد. در این زمینه، جوامعی که داعیه دین‌داری دارند، باید بتوانند شرایط حضوری مثبت و سازنده البته با حفظ شئون انسانی و اسلامی را برای زنان فراهم کنند.



مدل مفهومی محقق ساخته تحلیل کیفی راهبردهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بود. برای این منظور، دیدگاه‌های ایشان درباره موضوع جمع‌آوری شد و از طریق روش تحلیل محتوا مورد کدگذاری تماتیک قرار گرفت. در مجموع، ۲۴ کد باز و ۴ کد متمرکز با عنوان چهار راهکار تشکیل شد که عبارت‌اند از: ۱. برخوردی حکیمانه با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن؛ ۲. غنی‌سازی فرهنگ به وسیله تعامل فرهنگی با سایر ملت‌ها؛ ۳. جایگاه اندیشه و علم‌آموزی در حل مشکلات زنان و ۴. راهبرد اسلامی در برخورد با موضوع زن در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی.

نکات قابل استنباط عبارت‌اند از:

۱. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چهار عامل اساسی به عنوان راهکار مقابله با فرهنگ غرب در حوزه زنان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. از مهم‌ترین این راهکارها، توجه به مبانی اسلام در حوزه‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌باشد که بیشترین مقدار را به خود اختصاص

داده بود. بر این اساس، برای حل «معضلات زنان باید از هرگونه گرایش‌های فمینیستی و جنس‌ستیزی پرهیز شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۷/۱۴). همچنین افکار و نظرات غربی‌ها در زمینه مسئله زن مطلقاً نمی‌تواند مایه سعادت و هدایت جامعه بشری باشد و این تصور که فرهنگ غرب توانسته با بحثی به نام فمینیست مشکلات زنان را حل کند، باید، از اذهان پاک شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴)؛ چرا که تفکرات غربی مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی است؛ و نگاه آنان به زن از توجه مادی‌گری، اقتصادی و ابزاری می‌باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰). تنها راهکار حل مشکلات زنان، بازگشت به اندیشه‌های اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴)، چرا که اسلام هم آن مرتبه و علو رتبه‌ای که برای انسانیت قائل است، برای زن نیز قائل می‌باشد و هم با ارزش‌گذاری‌ها و تدوین قوانین، مقررات و احکام لازم مسیر حرکت به سمت کمال را برای زنان فراهم ساخته است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵). در این زمینه، باید بتوان قوانین و مقرراتی را تصویب کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۲۲) که متناسب با اندیشه‌ها و آرمان‌های جدید، ولی در چارچوب ارزش‌های اسلامی باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳). البته این مسئله نیازمند فقهی ماهر و مسلط به مبانی فقهی است که بتواند هم مسائل مبتلابه روز را شناسایی کند و هم با شیوه‌های اجتهادی احکام و قوانین آن را از متون دینی استخراج کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۱۳).

۲. مورد دیگری که از آمار بالایی در سخنان ایشان برخوردار است، جایگاه اندیشه و علم‌آموزی در حل مشکلات زنان است. ایشان مطالعه، دقت، تحقیق و ورود به مسائل مبتلابه روز و نیز اهتمام به کارهای دینی را جزو وظایف حتمی و مسلم زنان می‌دانند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۶/۲۸/۱۳۷۵)؛ چرا که ملتی که فاقد علم باشد در معادلات امروز جهانی محکوم به عقب‌ماندگی، ذلت و فرودستی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۲۳). زنان نیز برای رهایی از فرودستی و برای دفاع از حقوق قانونی خویش (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸) نیازمند افزایش بهره‌مندی خود از علوم و فنون مختلف هستند.

۳. از راهبردهای مورد توجه دیگر، برخوردی حکیمانه با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن است. معنای برخورد حکیمانه این نیست که همیشه ردکننده مسائلی باشیم که غریبان به آن

رسیده‌اند و یا موضع دفاعی بگیریم، بلکه باید موضع حرکت صحیح داشته باشیم؛ اما نکته مهم این است که در مقابل تهاجم، حالت انفعالی به خود نگیریم که خسارت بارترین کارهاست (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۹/۱۹).

۴. نکات مطرح شده در این پژوهش می‌تواند به عنوان خطوط اصلی و چشم‌اندازی در راه مقابله با فرهنگ غرب مورد استفاده قرار گیرد که البته اجرای آن نیازمند برنامه‌ریزی دقیق توسط مدیران امور فرهنگی است.

Archive of SID

فهرست منابع

۱. ارمکی، تقی و حسن چاووشیان (۱۳۸۱). «بدن به مثابه رسانه هویت». جامعه‌شناسی ایران، ش ۴.
۲. اکبری، محمدعلی (۱۳۸۸). «آزادی، هرج و مرج، استبداد». بازتاب اندیشه، ش ۳.
۳. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۴. چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۸۸). خانواده در اسلام و فمینیسم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. دادپور، شبنم (۱۳۹۰). «زنان در سطح نخبگان سیاسی در امریکا»، سیاست خارجی، ش ۹۷.
۶. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۰). جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی، قم: نشر هاجر.
۷. رهنمایی، سیداحمد (۱۳۸۸). مبانی آزادی در اسلام و غرب. همایش و نشست‌های غرب‌شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۸. رودگر، نرجس (۱۳۸۸). فمینیسم؛ تاریخچه، نظرات، گرایش‌ها، نقدها. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۹. شاهدین، حمید (۱۳۸۲). «درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن». حوزه و دانشگاه، س ۹، ش ۳۵.
۱۰. علاسوند، فریبا (۱۳۹۰). زن در اسلام. قم: نشر هاجر.
۱۱. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۳). بررسی مبانی فرهنگ غرب و پیامدهای آن. قم: بوستان.
۱۲. فروم، اریک (۱۳۸۱). گریز از آزادی. ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: مروارید.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶). بحارالانوار. تهران: مکتب الاسلامیه.
۱۴. محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۵. ولی‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۸). «تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن». معارف، ش ۶۹.
۱۶. مسگرنژاد جلیل (۱۳۷۳). جایگاه ادبیات و علوم ادبی در بازسازی تهاجم فرهنگی. مجموعه مقالات کنفرانس تهاجم فرهنگی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۷. ملکی، سعید و داود حاتمی (۱۳۹۲). «جنگ نرم‌افزار و راهکارهای مقابله با آن، با الهام از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مهندسی فرهنگی، س ۸، ش ۷۶.
۱۸. مشکات، عبدالرسول (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۱۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). از جنبش تا نظریه اجتماعی؛ تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
۲۰. نیلی‌پور، مهدی (۱۳۸۷). بهشت اخلاق. قم: مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر (عج).
21. Spielvo, Jackson J. (2003). What is Western Culture? What is non Western Culture? ,Western Culture Global, Chapters 1-29.
22. www.Ledear.ir-
23. Zimmermann, Kim Azz (2012). What is culture?www:http// Live Sicience Contribiutor.